

تکلیف...
 در دنیای قدیم یعنی مدتی قبل از اینکه ملل آریایی...
 می‌نامیم اشغال نمایند دو مرکز بزرگی تمدن وجود داشته است یکی در حوضه رودخانه نیل و نواحی صحرا در قاره آفریقا و دیگری حوضه رودخانه ای در کشور چین.

دکتر عباس فاروقی

استاد دانشسرای عالی



«مرزهای دانش»

ژورنال علمی و پژوهشی

در دنیای قدیم یعنی مدتی قبل از اینکه ملل آریایی...
 می‌نامیم اشغال نمایند دو مرکز بزرگی تمدن وجود داشته است یکی در حوضه رودخانه نیل و نواحی صحرا در قاره آفریقا و دیگری حوضه رودخانه ای در کشور چین.

ولی چیزی که برای ما که در قرون ارتباطات سریع دوران طیران جت زندگی میکنیم موجب تعجب است اینست که با وجود مشکلات فراوان ارتباطات - تردد و رفت و آمد تبادل امته و کالا مابین این دو قطب دور افتاده تمدن وجود داشته است.

البته هر اندازه که دنیای ما در شاهرآ تمدن پیشرفت نموده و کشورهای دیگری نیز از جهات مادی پیشرفت مینمایند این ارتباطات و تبادل کالا و امته و در نتیجه تبادل افکار بیشتر میگردد است.

بدیهی است که ابتدا این ارتباطات از راه خشکی بوقوع پیوسته یعنی راهی را که

بعدها راه ابریشم نامیده‌اند از دریای چین و جنوب صحرای گبی تقریباً در موازات سرحدات سیبری فعلی از شمال دریای خزر گذشته و بشمال دریای سیاه منتهی میگرددیده است .

بعدها بعلت هجوم قبایلی وحشی و عدم امنیت و همچنین در نتیجه تشکیل امپراطوری هخامنشی راه ابریشم بطرف جنوب وفلات ایران منحرف گردید و در زمان اشکانیان که مقارن با عظمت دوران امپراطوری رم بود این راه ابریشم از انطاکیه پایتخت سوریه شروع شده از فرات عبور کرده وارد امپراطوری اشکانی شده است در این امپراطوری از همدان امروزی ری و شاهرود از شهر صد دروازه عبور میکرده از بلخ که در دست اقوام تخار بوده است میگذشته و بالاخره در جلگه پامیر به برج سنگی در حوالی کاشمر فعلی که محل تبادل مال التجاره‌ها بوده است خاتمه مییافته. در این محل بوده است که امته چین و خاور دور علی‌الخصوص ابریشم با امته و کالاهای غرب معاوضه میگرددیده است .

برای اینکه با اهمیت این تجارت پی ببریم شهادت پلیناس (Plinius) نویسنده رومی را باید یاد آور شویم . بقول این نویسنده امپراطوری رم مجبور بوده است سالیانه حداقل یکصد میلیون سسترس «Sesterus» (یعنی قریب بیکمیلون لیره انگلیسی) تفاوت کسرواردات خود را بشرق پردازد . پلیناس اضافه مینماید که این خرجی است که زندگی پسر تجمل و مخصوصاً زنان ما برای ما میتراشند .

رومیاها برای این که از فشار اقتصادی پارتها رهایی یابند در طی قرون متوالی سعی کردند که با تصاحب ارمنستان خود را بدریای خزر برسانند و از راه دریا کالاهای مورد نیاز خود را بدست آورند ولی پیوسته با مقاومت اشکانیان و بعد ساسانیان مواجه شده و از این راه نیز موفقیت نسبیشان نگردید .

جنگهای رم با ایران منحصر آعلتی جز سعی رومیها در یافتن راههای ارتباطی با خاور دور و تلاش درهم شکستن مونوپل فروش کالاهای خاور دور نداشته است .

حال بگذارید کمی بعقب برگردیم و اوضاع آسیای مرکزی را مورد مطالعه قرار دهیم . قرن دوم قبل از میلاد را باید دوران فعالیتها و مهاجرتهای اقوام وحشی آسیای مرکزی دانست تحت فشار هن‌ها تقریباً در حدود سال ۱۶۵ ق - م قبائل Yuechi اقوام آریائی تخارها مجبور بمهاجرت بطرف مغرب گردیدند در طی این مهاجرت ابتدا دره Ili را که در «جاورت مملکت سکاها قرار داشت اشغال کردند ولی بزودی در مقابل تهدید جدید هن‌ها بمهاجرت خود بطرف غرب ادامه داده و اراضی متعلق به سکاها را اشغال کردند .

سکاها بنوبه خود مهاجرت اختیار کرده و در نایجیه سفد مستقر گردیدند . ولی باز طولی نکشید که هن‌ها باردیگر قبایل تخار را بطرف مغرب رانند و در نتیجه تخارها در راه فرار خود کشور سفد را اشغال کردند و پایتخت خود را در شهر کندا - مر کندا و یاسمر قند خودمان

قرار دادند در اینموقع در بلخ سلسله‌ای یونانی حکومت میکرد. بلخی‌ها بدره کامل و نواحی هیمالیای پناهنده شدند. در صورتیکه سکاها که مملکتشان اشغال شده بود بدو قسمت تقسیم گردیده گروهی به سیستان آمده در آنجا مستقر گردیدند و اسم خود را بدین ناحیه دادند گروه دوم که تعداد آنها زیادتر بود بطرف هندوستان سرازیر شده و در نواحی سند ممالکی را تشکیل دادند. ما اکنون در حوالی سال ۱۴۰ قبل از میلاد هستیم و امپراطور مشهور سلسله‌هان Wuti باریکه سلطنت تکبه زده است. این امپراطور پس از شکست هن‌ها قدرت خود را بطرف غرب متوجه ساخت و برای اینکه راه تجارت با ایران را باز نماید و به مرکز تولید اسب یعنی دره فرغانه دست یابد این ناحیه را در سال ۱۰۲ ق - م اشغال نمود. در نتیجه این لشکرکشی چینی‌ها موفق شدند هم راه ابریشم را باز نگاهدارند و هم با امپراطوری پارت همسایه گردند و هم بتعداد زیادی از اسبهای مشهور تخار دست یابند و برای تولید نسل بیش از ۳۰۰۰ رأس اصیل آنانرا با خود بچین بردند از این سفر ارمغان دیگری نیز چینی‌ها با خود بردند و آن انگور است که امپراطور تخم آنرا با دست خود کاشت و بزودی در چین شمالی کشت انگور رواج یافت.

در همین دوران است که روابط سیاسی مابین کشور ما و چین برقرار گردید ظاهراً برای اولین بار در زمان مهرداد دوم پادشاه اشکانی (۱۲۴-۸۸ ق م) سفرائی از چین بسدر بار پادشاه پارت آمدند و در مراجعت کشور پارت را مملکتی پهناور که در آنجا برنج - گندم و شراب تولید میشود و شهرهای آن حصار دارند معرفی نمودند و اضافه میکنند که در کشور اشکانی برای معاملات سکه‌های زرو نقره که نقش شاه بر آن منقوش است بکار برده میشود و ایرانیان اسناد و مدارک رسمی و شاهکارهای ادبی خود را در روی چرم با خطوطی افقی می‌نویسند. برقراری روابط تجاری و سیاسی امکان نفوذ تمدن و تبادل افکار بین دو کشور را بیشتر نمود و تعداد زیادی از هموطنان ما مخصوصاً مبلنین مذهبی مذهب بودارا که در عهد آسوکا پادشاه هند (حوالی ۲۶۰ تا ۲۲۳ ق م) در نواحی شرقی ایران توسعه یافته بود بچین برده و در ترویج آن بحدی کوشیدند تا در حوالی سال ۶۷ میلادی مذهب رسمی چین گردید.

تاریخ نام پنج‌تن از مبلنین ایرانی را برای ما بیادگار گذارده است ولی متأسفانه نام آنها بزبان چینی است چون این مبلنین برای تسهیل کار خود اسامی خود را بزبان چینی ترجمه مینموده‌اند ولی خوشبختانه نام موطن خود را در ابتدای نام شخصی خویش اضافه مینمودند از اینرو کلمه (Ngan) آن شاهد اینست که موطن مبلنین مزبور از مملکت اشکانیان که بزبان چینی Ngan Shih (تعریف کلمه ارشک) نامیده میشود میباشد.

در رأس این مبلنین باید نام Nganchekoa آن شه کائورا یادآور شد که از همین راه ابریشم بچین عزیمت نموده است.

طبق سنن بوداییان چین و ژاپن آن شه کائویکی از شاهزادگان اشکانی بوده است که چنان از مرگ پدر و بی وفائی دنیا متأثر گردیده است که تاج و تخت خود را بعمویش واگذار کرده و خود باموختن کتب دینی همت گماشته و بمذهب بودا گرویده است پس از چندی عزم سفر کرده و در سال ۱۴۸ م در پایتخت چین Lo Yang معبد بودائی تأسیس کرده و در آنجا اقامت گزیده و در سال ۱۷۰ م در آن شهر وفات نمود در طی اقامت خود در زبان چینی تبحر کامل نصیبش گردید و بترجمه کتب مقدس بودائی پرداخت و ترجمه چندین کتاب را بدو نسبت میدهند که کتب مزبور هنوز تا زمان ما موجود است .

بعلمت تطویل کلام از ذکر بقیه مبلغین بودائی خودداری میشود ولی بیجا نیست اگر یاد آور شویم که بدنبال مبلغین بودائی مبلغین دیگری برای رواج مذهب زردشتی - مانوی و مسیحیت از فرقه نسطوری بچین رفته اند و مذهب مانوی در آسیای وسطی توسعه فراوانی یافت . هموطنان ما تنها بتوسعه مذهب قناعت ننمودند .

کشاورزی چین نیز از این تبادل تمدن بهره برد مثلاً انار در طی قرون سوم و چهارم میلادی از ایران بچین برده شد و اسم چینی آن هم از ایرانی گرفته شده هم چنین انجیر که چینی ها آنرا Yinji مینامند هدیه دیگر ایرانیست بکشور آسمانی . بنوبه خود چینی ها ارمنان مارایی جواب نگذاردند و ما ایرانیها هلو و زردآلو را مدیون کشور آسمانی هستیم .

در زمان ساسانیان روابط ایران و چین توسعه بیشتری گرفت و در زمان فیروز پادشاه ساسانی سفرائی رد و بدل شد و برای حفظ سرحدات از حملات هیاطله معاهداتی مابین دو کشور بامضاء رسید .

گزارش سفیر چین که در این دوران یعنی در اواسط قرن پنجم میلادی بدربار ایران آمده است بسیار حائز اهمیت است این سفیر مینویسد :

پایتخت ایران Suhli (تیسفون) نامیده میشود که بیش از یکصد هزار خانوار در آن سکنی دارند محصولات عمده این کشور عبارت است از طلا - نقره - مرجان عنبر مروارید اعلی - شیشه - الماس - آهن - مس - شنکرف - زبیق - در این کشور حیواناتی مثل فیل سفید - شیر و پرندهگان بزرگ یافت میشوند . مخصوصاً پرنده ای است که مثل شتر میماند و دو بال بزرگ دارد که بوسیله آنها میتواند پرواز کند ولی قادر به بلند شدن از زمین نیست این پرنده هم علف خوار است و هم گوشتخوار و حتی آتش را هم بلع میکند .. این همان شتر مرغ خود مان است سفیر مخصوصاً تحت تاثیر تجمل و دبدبه شاهنشاه ایران قرار گرفت که تاج مرصع بر سردارد و بر روی تخت طلائی که پایه های آن بر پشت شیرهایی از طلا قرار گرفته است نشسته و پا و بارداده است .